

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

مینو فتاحی
۱۳ اگست ۲۰۱۳

میلیونها بیسواد و یک میلیون جایزه

اخیراً یکی از مسئولین آموزش و پرورش اعلام کرده است هر کسی به سه نفر بیسواد خواندن و نوشتن یاد بدهد، مبلغ یک میلیون و بیست هزار تومان پاداش می گیرد. البته این جناب نگفته است که برای میلیونها بیسواد که در حال حاضر از دسترسی به امکانات آموزشی محروم هستند، چنین امکانی هست یا نه؟ اما فقط او نیست که چنین وعده وعیدهای می دهد مسئولین نهضت سوادآموزی حرفهای مشابهی می زنند. یکی از آنها گفته است اگر بیسوادان برای سواد آموزی اقدام کنند جایزه می گیرند و افرادی که تنبلی کنند و بیسواد بمانند جریمه می شوند. به گفته رئیس سازمان نهضت سواد آموزی، طبق سرشماری سال ۱۳۹۱، تعداد ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بیسواد مطلق در جامعه داریم، همچنین ۱۰ میلیون نفر تحصیلات ابتدائی دارند و ۱۰ میلیون نفر تا سطح سیکل تحصیل کرده اند. بدین ترتیب ۳۰ میلیون نفر از جمعیت ایران بی سواد و کم سوادند.

آمار دیگری خبر از ۴ درصد بیسواد در گروه سنی بالای ۶ سال و ۷ درصد بیسواد در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال می دهد. اینها عدد و رقم نیستند، که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت.

این اعداد مربوط به تعداد انسانهایی است که آموزش به عنوان یکی از پایه های ترین حقوقشان در حکومت اسلامی پایمال شده است.

در ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک که امروزه بیش از ۱۴۰ کشور به آن متعهد هستند و یکی از مهمترین اسناد حقوق بشر است این حق را اینطور توضیح می دهد:

"کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می شناسند".

الف) اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدائی رایگان برای همه؛

ب) تشویق ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسط، از جمله آموزش عمومی و حرفه ای، فراهم کردن و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمکهای مالی و غیره است.

تمام کودکان بدون هیچ گونه تبعیض باید از آموزش به طور رایگان و اجباری بهره مند شوند. مفهوم اجباری آن بدین منظور است که هیچ عاملی نباید مانع از تحصیل کودکان شود. مانند فقر والدین، تعصبات مذهبی، نداشتن اوراق هویتی برای کودکان مهاجر، دوری راه، معلولیت، تبعیض بین دختر و پسر، تفاوتهای قومی و فرهنگی، اعمال نظر والدین و سرپرستان و... دلایل ذکر شده به درجات مختلف بر حضور کودک در مدرسه تأثیر می گذارد. اما مشکلات مالی خانواده یکی از مهمترین دلایل عدم حضور دانش آموز در مدارس است. در وضعیت کنونی جامعه ایران حق تحصیل

کودکان به عنوان یکی از ارکان رشد مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. بلکه میزان اعتبار پول و دارائی خانواده است که بر کیفیت آموزش دانش آموز تأثیر جدی دارد، استحکام ساختمان مدرسه، استاندارد میز و نیمکت، سرویس مدرسه، لوازم التحریر، کلاسهای تقویتی علمی، ورزشی ... و حتی احترام به دانش آموز را شامل می‌شود. به عکس هر چقدر این امکانات مالی ضعیف باشد دسترسی دانش آموز به خدمات نیز کم‌رنگ تر می‌شود تا جایی که در بعضی موارد مدرسه نیز محو می‌شود و آنچه که از مدرسه می‌ماند خشت و گل و چادر است!

با توجه به محرومیت از تحصیلی که توسط همین حکومت و سازمان دست نشانده اش برای میلیونها کودک ایجاد شده است این دیگر موضوع مضحکی است که چاپلوسی بیاید چنین حرفهای سبک مغزی بزند. واقعاً این حرفها دهن کجی به بچه هائی است که به خاطر نداری فقر و مشکلات خانوادگی و غیره ترک تحصیل کرده و یا اصلاً پا به مدرسه نگذاشته اند. در اینجا نیز دولت مثل آسیبهای اجتماعی و اعتیاد و ... فرد و خانواده را مقصر می‌داند و از خود سلب مسئولیت می‌نماید و آموزشی که حق کودکان است از آنها سلب می‌کند و حال به شکل صدقه و با منت گذاشتن و جریمه و پاداش فقط می‌خواهد آنان سواد خواندن و نوشتن بیاموزند. البته آن هم بیشتر جنبه شعار و تبلیغ دارد. این شرایط ناعادلانه و تبعیض آمیز باید تغییر کند. نیاز کودکان فقط خواندن و نوشتن نیست آموزش اجباری و رایگان مقطع ابتدائی یکی از مطالبات جدی برای کودکان است و آموزش و پرورش موظف است که طبق استانداردهای آموزشی روز دنیا، تمام کودکان در سن رشد و همینطور افراد بازمانده از تحصیل را تحت پوشش قرار دهد. در این راستا والدین، معلمان، فعالان حقوق کودک و تمام انسانهایی که زندگی و رشد کودکان برایشان ارزش دارد باید از این امر حمایت کنند.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۶